

# فرهنگ، استعاره و ترجمه‌پذیری

نیکو خیرخواه<sup>۱</sup>، فرزانه سجودی<sup>۲</sup>

۱. گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۶/۱۴

دریافت: ۹۱/۴/۱

## چکیده

مقاله حاضر با مطرح کردن این پرسش نوشته شده است: «ترجمه ترکیبات استعاری فرهنگ- بنیاد به چه روش یا روش‌هایی امکان‌پذیر است؟». در پاسخ‌گویی به این سؤال، نتایج بررسی تطبیقی ترجمه رینولد نیکلسون از دفتر اول *مثنوی معنوی* مولانا به‌عنوان داده در نظر گرفته شده است. چارچوب کار، الگوی ترجمه هاروی (2000) است. نگارنده با توجه به نیاز پژوهش، به معرفی نشانه استعاری و دلالت استعاری پرداخته است. در این بخش شش نوع دلالت از هم بازشناخته شده‌اند. الگوی شش‌گانه- که یکی از دستاوردهای این پژوهش است- می‌تواند بین هر دو زبان «الف» و «ب» که زبان مبدأ و مقصد در فرایند ترجمه‌اند، مورد استفاده قرار گیرد. در ادامه تحقیق، چگونگی به‌کارگیری این دلالت در ترجمه استعاره‌های فرهنگ- بنیاد و سپس معرفی الگویی برای ترجمه این موارد آمده است. به عبارت دیگر، برای هر یک از روابط دلالتی مطرح‌شده شیوه‌هایی در ترجمه پیشنهاد شده است. این پیشنهادها براساس ماهیت دلالت استعاری شکل گرفته‌اند. به این ترتیب، مترجم در رویارویی با ترکیب استعاری الگویی در دست دارد که او را در ترجمه انواع استعاره‌ها قدم‌به‌قدم راهنمایی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بررسی تطبیقی، ترجمه استعاره، دلالت استعاری، نشانه.

## ۱. مقدمه

هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به پرسش زیر است: «روش‌های ممکن در ترجمه استعاره‌های ادبی فرهنگ- بنیاد کدامند؟».

خیرخواه (۱۳۹۰) به تطبیق ترجمه رینولد نیکلسون با ترکیبات استعاری موجود در دفتر

اول **مثنوی** پرداخته است. نگارندگان این مقاله از داده‌ها و دستاوردهای آن رساله استفاده می‌کنند تا به بحث در مورد نشانه‌ استعاری و عملکرد آن در ترجمه ترکیبات استعاری فرهنگ- بنیاد بپردازند. بخشی از دستاوردهای تحقیق نام‌برده که عبارت است از روش‌هایی که مترجم به‌کار بسته تا به راهبری ترجمه کمک کند، در اینجا آورده شده است. این موارد در استدلال‌های منطقی در مقاله حاضر به‌کار گرفته می‌شوند:

۱. به‌کارگیری حروف بزرگ؛
۲. به‌کارگیری هم‌زمان واژه زبان مبدأ و مقصد (یا واژه زبان مقصد و مصداق آن)؛
۳. قرص‌گیری اسامی خاص؛
۴. به‌کارگیری معنای ثانویه در ساخت استعاره؛
- الف. به‌کارگیری معنای ثانویه به‌جای معنای اولیه،
- ب. به‌کارگیری معنای ثانویه در کنار معنای اولیه؛
۵. به‌کارگیری واژه‌های هم‌معنا در ترکیب استعاره.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۲-۱. فرهنگ

«فرهنگ» دستگاه پیچیده‌ای از نظام‌های نشانه‌ای است؛ نظام پیچیده‌ای که در آن معانی مرتبط با رفتارهای انسانی مبادله می‌شوند. این شبکه را باید نظام پیچیده‌ای از روابط بین رمزگان‌ها و متون دانست. سجودی در مورد این نظام‌های نشانه‌ای می‌گوید:

این نظام‌ها نسبی‌اند و در نتیجه، ارزش و معنایی که تولید می‌کنند قطعی، همیشگی و ثابت نیست. فرهنگ‌ها در روابط بین فرهنگی شرکت می‌کنند؛ اما معمولاً از فرصت‌های برابر برای حضور و بیان خود در این روابط برخوردار نیستند. فرهنگ‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و می‌کوشند به حیات خود ادامه دهند و به همین دلیل، مشابهت‌هایی بین خود و فرهنگ‌های دیگر به‌وجود می‌آورند و در همان حال می‌کوشند تمایز خود را از دیگری حفظ کنند و این فرایندی همیشگی است (۱۳۸۸: ۱۴۱).

وجود هر فرهنگ وابسته به وجود فرهنگ دیگر است. اهالی هر فرهنگ با داشتن ایدئولوژی خاص خود، آن دیگری را بدوی و اولیه می‌پندارند. فرهنگ خود را منظم، بهنجار و به‌اصطلاح کاسموس می‌دانند و فرهنگ بیگانه را برعکس، بی‌نظم، ناهنجار و در اصطلاح خائوس. اما نکته اینجاست که همواره دادوستد فرهنگی بین این دو وجود داشته است؛ این همان جایی است که ترجمه بین فرهنگی خود را نشان می‌دهد.

## ۲-۲. ترجمه مفاهیم فرهنگی

در ترجمه مفاهیم فرهنگی افرادی مانند نیومارک<sup>۱</sup> (1988)، گرادلر<sup>۲</sup> (2000) و هاروی<sup>۳</sup> (2000) فرایندهایی مطرح کرده‌اند که به ترتیب در این بخش آورده می‌شود:

## ۲-۲-۱. نیومارک

نیومارک (1998) پانزده روش برای ترجمه مفاهیم فرهنگی<sup>۴</sup> مطرح می‌کند:

۱. انتقال<sup>۵</sup>: انتقال واژه زبان مبدأ به متن زبان مقصد. انتقال همان واژه است با الفبای زبان مقصد.
۲. هماهنگ‌سازی<sup>۶</sup>: واژه زبان مبدأ در ابتدا با نظام تلفظ زبان مقصد همراه می‌شود، سپس هماهنگی صرفی را نیز تجربه می‌کند.
۳. معادل فرهنگی: جایگزین کردن واژه فرهنگی زبان مبدأ با واژه فرهنگی زبان مقصد. نیومارک معتقد است این جایگزینی در نهایت دقیق نخواهد بود.
۴. معادل نقشی: در این روش واژه جایگزین شده بار فرهنگی ندارد.
۵. معادل توصیفی: در این روش مفهوم واژه فرهنگی به کمک چند واژه در زبان مقصد توصیف می‌شود.
۶. تحلیل مؤلفه‌ای<sup>۷</sup>: در این روش واژه مورد نظر با واژه دیگری که مؤلفه‌های معنایی مشابه دارد مقایسه می‌شود.
۷. هم‌معنایی: در این روش نزدیک‌ترین معادل واژگانی در زبان مبدأ اختیار می‌شود.
۸. ترجمه قرضی یا گرده‌برداری<sup>۸</sup>: ترجمه تحت‌اللفظی در کلمات مرکب و باهم‌آیی.
۹. تغییر دستوری<sup>۹</sup>: تغییر در دستور زبان از زبان مبدأ به مقصد، تغییر در مفرد و جمع، تغییر در زمانی که ساخت دستوری زبان مبدأ در زبان مقصد موجود نباشد و مواردی از این دست.
۱۰. تلفیق<sup>۱۰</sup>: تولید مجدد همان پیام در زبان مقصد به گونه‌ای که در تطابق با هنجارهای زبان مبدأ باشد.
۱۱. ترجمه مصطلح<sup>۱۱</sup>: در این روش از اصطلاح رایج در مورد واژه مورد نظر استفاده می‌شود؛ معمولاً در مورد کلمات تخصصی، رسمی و سیاسی.
۱۲. جبران: این روش در جایی به کار گرفته می‌شود که بخشی از معنا در قسمت دیگری از

- جمله از دست رفته باشد و در این بخش مترجم درصدد جبران آن برمی آید.
۱۳. تفسیر و ترجمه آزاد: در این شیوه مفهوم فرهنگی مورد نظر توضیح داده می شود و به نسبت معادل توصیفی جزئیات بیشتری ذکر می شود.
۱۴. ترجمه ترکیبی<sup>۱۲</sup>: هنگامی است که مترجم دو شیوه را هم زمان به کار گیرد.
۱۵. پاورقی: از این راه مترجم می تواند اطلاعات بیشتری درباره مفهوم فرهنگی مورد نظر بدهد.

### ۲-۳-۲. گرادلر

گرادلر (2000) نیز چهار شیوه برای ترجمه مفاهیم فرهنگی معرفی می کند:

۱. ساخت کلمه جدید؛
۲. توضیح واژه مورد نظر به جای ترجمه آن؛
۳. حفظ واژه زبان مبدأ بدون هیچ گونه تغییری؛
۴. انتخاب واژه در زبان مبدأ به شیوه ای که بیشترین شباهت را به واژه زبان مبدأ داشته باشد و یا اینکه بتوان این دو واژه را مرتبط دانست.

### ۲-۲-۳. هاروی

هاروی (2000) نیز مانند گرادلر چهار شیوه را مطرح می کند:

۱. معادل نقشی: در این روش مترجم از واژه ای با عملکرد مشابه در زبان مبدأ استفاده می کند. این روش توسط افراد مختلف، به گونه ای متفاوت ارزیابی شده است. بعضی معتقدند این شیوه بهترین راه حل برای ترجمه مفاهیم فرهنگی است؛ اما برخی آن را گمراه کننده نامیده اند.
۲. معادل صوری<sup>۱۳</sup> یا زبانی: این شیوه همان ترجمه لغت به لغت است.
۳. قرض گیری- با الفبای زبان مبدأ: مترجم واژه زبان مقصد را با الفبای زبان مقصد به کار می گیرد. اگر واژه برای خوانندگان شفاف<sup>۱۴</sup> باشد و یا در جای دیگری در متن درباره آن توضیحی آمده باشد، می توان واژه را به تنهایی به کار برد. چنانچه این طور نباشد، مترجم باید در ترجمه آن توضیح دهد و یا از پاورقی استفاده کند.
۴. ترجمه توصیفی/ توضیحی: در این روش مترجم از مفاهیم عمومی و نه الزاماً فرهنگی در ترجمه بهره می گیرد و به توصیف نکته مورد نظر می پردازد. اگر مخاطبان ترجمه گروه متخصص در این زمینه باشند، می توان واژه زبان مقصد را نیز به همراه ترجمه آورد تا از بروز ابهام احتمالی جلوگیری کرد.

نگارندگان در این پژوهش از تقسیم بندی هاروی (2000) استفاده می کنند. تقسیم بندی نیومارک با

آنکه به‌ظاهر دارای بخش‌های بیشتری نسبت به طبقه‌بندی هاروی است، در پاره‌ای از موارد هم‌پوشانی‌هایی را نشان می‌دهد. برای مثال، در مورد شیوه «انتقال» و «هماهنگ‌سازی» به‌نظر می‌رسد انتقال عین واژه و استفاده از الفبای مقصد نمی‌تواند جدا از هماهنگ‌سازی با نظام واجی مقصد باشد. چنانچه واژه‌ای عیناً به زبان مقصد وارد شود، خود را با نظام واجی آن زبان هماهنگ خواهد کرد. در عین حال، به‌نظر می‌رسد بعضی از مواردی که نیومارک مطرح کرده، دیدگاهی در ترجمه است و برخی هم تکنیکی در ترجمه. برای مثال، «ترجمه به‌گونه‌ای که با هنجارهای زبان مقصد هماهنگ باشد» را می‌توان دیدگاه در نظر گرفت؛ ولی ترجمه قرضی به‌نظر می‌رسد بیشتر تکنیک است تا دیدگاه. به همین علت، می‌توان با داشتن دیدگاه «تلفیق» به‌منظور «جبران»، دست به «ترجمه توصیفی» زد و شاید حتی بتوان «تغییر دستوری» هم داشت.

### ۲-۳. استعاره

استعاره از دو دیدگاه کلاسیک و زبان‌شناختی قابل مطالعه است. در دیدگاه کلاسیک، دانشمندانی غربی مانند افلاطون، ارسطو، سیسرون و کوین تیلیان را می‌توان جزء کسانی دانست که در زمینه استعاره مطالعاتی انجام داده‌اند. از دانشمندان ایرانی غیرمعاصر که در تقسیم‌بندی کلاسیک قرار می‌گیرند، می‌توان از حافظ، عبدالقاهر جرجانی، رمانی، ابو‌هلال و سکاکی، شمس قیس رازی و ابن‌رشیق نام برد. از دانشمندان غربی که استعاره را از دیدگاه زبان‌شناختی بررسی کرده‌اند، می‌توان از ریچاردز، بلک، گرایس، سیداک، کوهن، سرل، روملهارت، ردی، لیکاف و یاکوبسن نام برد.

یاکوبسن در مقاله «قطب‌های استعاره و مجاز» می‌گوید:

شکل‌گیری گفتمان ممکن است به دو طریق معنایی متفاوت صورت پذیرد. یک موضوع ممکن است برحسب شباهت یا به‌واسطه مجاورت به‌دنبال موضوع دیگری بیاید. روش استعاری مناسب‌ترین نام برای مورد اول می‌نماید و روش مجازی را می‌توان مطلوب‌ترین برچسب برای مورد دوم دانست که موجزترین نمود خود را به‌ترتیب، در استعاره و مجاز می‌یابد (۱۳۸۰: ۱۱۶).

صفوی در ادامه مقاله یاکوبسن در بخش یادداشت‌های مترجم می‌افزاید:

آنچه تحت عناوین استعاره و مجاز از دیدگاه یاکوبسن مطرح می‌شود، معادل همین اصطلاحات در فن بدیع فارسی نیست. وی استعاره را فرایندی می‌داند که صورتی را از محور جانشینی به‌جای صورت دیگری قرار می‌دهد و مجاز برعکس، فرایندی است که بر روی محور هم‌نشینی عمل می‌کند و صورت‌های زبانی را کنار هم می‌نشاند. او عملکرد روی محور جانشینی را مبتنی بر تشابه می‌داند؛ یعنی یک واحد زبانی ممکن است به‌جای واحد دیگری به‌کار رود که با آن مشابه است. از

سوی دیگر، عملکرد روی محور هم‌نشینی بر مجاورت متکی است. دو واحد زبانی وقتی می‌توانند هم‌نشین یکدیگر شوند که از امکان مجاورت با یکدیگر برخوردارند (همان: ۱۲۵).

چندلر دامنه استعاره را بسیار وسیع می‌داند و انواع مجاز (مثل مجاز مرسل) را نیز در دامنه استعاره قرار می‌دهد. همچنین، او تشبیه را نوعی استعاره می‌پندارد. چندلر (۱۳۸۷) از قول لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) می‌گوید: «اساس استعاره، فهم و تجربه یک چیز به‌مثابه چیزی دیگر است». همچنین، از قول ریچارد (۱۹۳۲) می‌گوید: «از دیدگاه نشانه‌شناسی، استعاره شامل یک مدلول است که به‌عنوان یک دال برای ارجاع به مدلولی متفاوت عمل می‌کند. در ادبیات، استعاره یک موضوع اولیه است که به‌مثابه یک موضوع ثانویه بیان می‌شود.» (چندلر، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

نگارندگان در تعریف استعاره از آرای لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) به نقل از چندلر (۱۳۸۷) بهره می‌برند. بنابراین، «فهم و تجربه چیزی به‌مثابه چیز دیگر» مبنای شناخت استعاره خواهد بود. همچنین، رأی ریچارد (۱۹۳۲) به نقل از چندلر (۱۳۸۷) مبنی بر اینکه «از دیدگاه نشانه‌شناسی، استعاره شامل یک مدلول است که به‌عنوان یک دال برای ارجاع به مدلولی متفاوت عمل می‌کند»، رأی نگارندگان است. نویسندگان مقاله به پیروی از چندلر (۱۳۸۷) دامنه استعاره را به بزرگی تشبیه و انواع مجاز می‌گسترانند.

### ۳. دسته‌بندی استعاره‌ها بر اساس ماهیت

نگارندگان در این بخش از مقاله وارد بحث جدیدی می‌شوند و آن بحث استعاره‌های فرهنگ-بنیاد است. اولین نکته‌ای که نگارندگان با آن روبه‌رویند، نیاز به نوعی دسته‌بندی از انواع استعاره است تا در نهایت، بتوانند استعاره‌های فرهنگی را جدا کنند و روش یا روش‌های ترجمه در رویارویی با نکات فرهنگی را بررسی کنند. دسته‌بندی‌هایی که نگارندگان در مطالعات خود با آن‌ها روبه‌رو شده‌اند مانند آنچه نیومارک (1988) مطرح کرده است (استعاره مرده<sup>۱۵</sup>، قالبی<sup>۱۶</sup>، معیار<sup>۱۷</sup>، جدید<sup>۱۸</sup> و ابداعی<sup>۱۹</sup>)، هیچ‌یک به خروجی مور دنظر ما که همان استعاره‌های فرهنگی است ختم نمی‌شود. بنابراین، نگارندگان سعی دارند به‌گونه‌ای تقسیم‌بندی کنند که یکی از خروجی‌های آن استعاره‌های فرهنگی باشد. این کار با توجه به ماهیت استعاره‌ها امکان‌پذیر است.

### ۴. نشانه استعاری

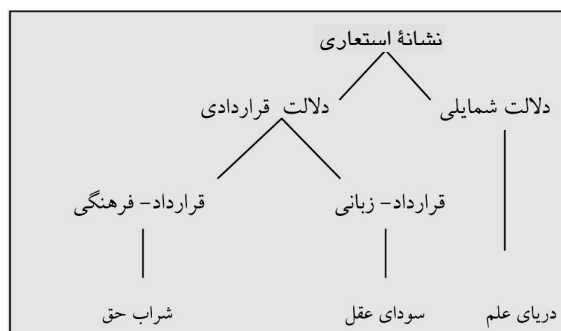
با داشتن این پیش‌فرض که در فرایند شکل‌گیری استعاره‌ها از دیدگاه نشانه‌شناسی، مدلولی دال

می‌شود برای مدلولی دیگر (ریچارد، ۱۹۳۲ به نقل از چندلر ۱۳۸۷)؛ نگارندگان بر این باورند که با یک رابطه دلالی جدید و به تبع آن با یک نشانه استعاری روبه‌رویم. این نشانه استعاری را می‌توانیم به انواع قراردادی و شمایی تقسیم کنیم. به عبارت دیگر، رابطه‌ای که مدلول را در این رابطه دلالی جدید قرار می‌دهد، ممکن است یک رابطه قراردادی باشد و یا رابطه شمایی برحسب تشابه. رابطه قراردادی نیز برپایه اینکه قرارداد آن یک قرارداد صرف زبانی باشد و یا برخاسته از آداب و سنت‌ها، فرهنگ، مذهب و تاریخ آن جامعه، به ترتیب به انواع قراردادی-زبانی و قراردادی-فرهنگی طبقه‌بندی می‌شود.

برای مثال، در ترکیب استعاری «سودای عقل» اگر سودا را دال برای مدلول خیال در نظر بگیریم (سودا به بزرگی آنچه عقل آدمی متصور است و یا توان خیال آن را دارد اشاره می‌کند)، رابطه دلالی را که بین دال و مدلول شکل می‌گیرد باید یک رابطه قراردادی و دلخواهی برشمريم؛ زیرا گویشوران زبان فارسی با یکدیگر قرارداد کرده‌اند که چنین رابطه‌ای بین این دال و مدلولش برقرار باشد و این قرارداد دلخواهی است.

از سوی دیگر، ترکیب استعاری «شراب حق» بر خاستگاه‌های فرهنگی-مذهبی بنا شده است. همان‌طور که در فرهنگ دهخدا آمده است، شراب در زبان فارسی نزد سالکان عبارت است از عشق، محبت، بیخودی و مستی. شراب شمع دل عارفان است که در دل صاحب شهود افروخته می‌شود. بنابراین، رابطه دلالی موجود بین دال شراب و مدلول عشق و سرمستی رابطه‌ای قراردادی است که پایه‌های آن در فرهنگ و سلوک سالکان این دیار ایستاده است و این یعنی استعاره با ماهیت قرارداد فرهنگی.

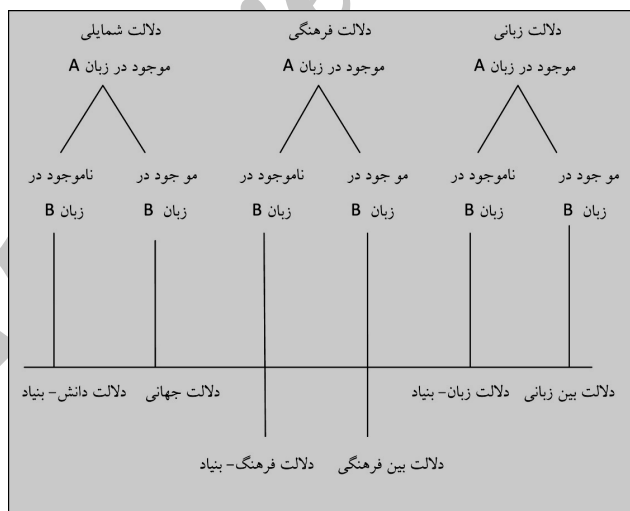
اما رابطه دلالی بین «دریا» و «عظمت/بی‌پایان» در ترکیب استعاری «دریای علم» رابطه‌ای شمایی است؛ زیرا این مشخصه‌های وجودی دریاست که آن را برای ارجاع به مدلول «عظمت» مناسب می‌کند و ترسیم تصویر استعاری در ذهن خواننده را امکان‌پذیر می‌سازد. به عبارت دیگر، بین معنای واژگانی ثانویه دال و معنای واژگانی اولیه مدلول رابطه شمایی وجود دارد.



شکل ۱ ماهیت دلالت استعاری

### ۵. دلالت استعاری در ترجمه

در ترجمه از زبان مبدأ A به زبان مقصد B برحسب وجود و یا نبود روابط دلالتی یادشده در زبان مقصد، می‌توانیم به تقسیم‌بندی شش‌گانه زیر اشاره کنیم. نکته‌ای که نگارندگان باید یادآور شوند این است که زبان A و B در این الگو می‌توانند هر دو زبانی باشند که زبان مبدأ و مقصد در فرایند ترجمه قرار گرفته‌اند.



شکل ۲ الگوی شش‌گانه طبقه‌بندی دلالت‌های استعاری در ترجمه



- تقسیم‌بندی شش‌گانه در فرایند ترجمه بین دو زبان A و B به این شرح است:
۱. دلالت بین‌زبانی دلالتی است که فقط قرارداد است و در هر دو زبان مبدأ و مقصد وجود دارد؛ برای مثال بین دو زبان فارسی و انگلیسی: «با احساسات کسی بازی کردن» (play with someone's feeling)
  ۲. دلالت زبان-بنیاد یک قرارداد صرف زبانی است که فقط در زبان مبدأ موجود است؛ برای مثال بین دو زبان فارسی و انگلیسی: «سودای عقل».
  ۳. دلالت بین‌فرهنگی دلالتی است که طی قراردادهای فرهنگی بین گویشوران شکل گرفته و در هر دو زبان مبدأ و مقصد موجود است؛ برای مثال بین دو زبان فارسی و انگلیسی: «درگاه قبول» (gate of acceptance)
  ۴. دلالت فرهنگ-بنیاد دلالتی است قراردادی که در فرهنگ جامعه گویشور ریشه دارد و فقط در زبان مبدأ موجود است؛ برای مثال بین دو زبان فارسی و انگلیسی: «شراب حق».
  ۵. دلالت جهانی (بین‌اجتماعی) دلالتی شمایی است که دست‌کم بین دو زبان مبدأ و مقصد وجود داشته باشد؛ برای مثال بین دو زبان فارسی و انگلیسی: «دریای علم» (sea of knowledge)
  ۶. دلالت دانش-بنیاد دلالتی شمایی است که تصویر استعاری آن فقط در جامعه زبان مبدأ موجود است؛ برای مثال بین دو زبان فارسی و انگلیسی: «سیمرغ روح».
- طبقه‌بندی‌های یادشده به‌منظور ایجاد سهولت در مطالعه صورت گرفته است و نگارندگان همچنان بر این باورند که این دلالت‌های استعاری بین دسته‌بندی‌های یادشده شناورند و این به‌علت ماهیت وجودی زبان و پویایی آن است. به عبارت دیگر، دادن حکم قطعی در مورد دلالت‌های یادشده به‌روشنی صفر و یک نیست. گاه دلالتی بین دو تعریف یادشده زندگی می‌کند و گاه نیز دلالتی محل سکونت خود را از شاخه‌ای به شاخه دیگر تغییر می‌دهد و این‌ها همه حکایت از زنده بودن زبان دارد.
- از سوی دیگر، درون یک نشانه استعاری نیز دلالت همچنان شناور است؛ به این معنا که مدلول ثانویه یعنی مدلولی که در نشانه استعاری مورد نظر است نیز می‌تواند در خوانش‌های مختلف، به‌طور متفاوت زایش شود و این همان اتفاقی است که برای مترجم نیز در ترجمه رخ می‌دهد و او نیز مانند هر خواننده دیگر می‌تواند به مدلول استعاری شخصی خویش برسد.
- مرحله بعدی کار نگارندگان، یافتن استعاره‌های دارای دلالت قراردادی از نوع قرارداد فرهنگی است که در دفتر اول *مثنوی* به‌کار رفته‌اند و به‌اختصار استعاره فرهنگی نامیده می‌شوند.

## ۶. پایه‌های استعاره‌های فرهنگی

در دسته‌بندی و انتخاب استعاره‌های فرهنگی، استواری پایه‌های قرارداد در فرهنگ، سنت‌ها، آداب، تاریخ و مذهب ملاک بوده است. شرح‌هایی که بر *مفنوی* نوشته شده، کمک مؤثری در یافتن این ارتباطها بوده است. همچنین، فرهنگ‌های لغت در بسیاری از این موارد کارگشا بوده‌اند. گاه اطلاعات پژوهشگر از فرهنگ و سنن خود نیز در انتخاب دلالت‌های فرهنگی به‌کار گرفته شده است؛ ولی مهم‌تر از همه، استفاده از متون مذهبی بوده است. در بسیاری از موارد استعاره‌های مولانا برگرفته از آیات قرآن مجید و یا احادیث است. نگارندگان در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنند:

قرآن کریم در سوره ناریات آیات ۲۰ و ۲۱ می‌فرماید: «و در زمین برای *اهل یقین* نشانه‌هایی است و نیز در وجود خودتان». حسینی دشتی (۱۳۷۶) در *فرهنگ معارف و معاریف* می‌گوید: چنان‌که خداوند زکات مال را بر شما واجب کرده، زکات جاه و مقام را نیز واجب کرده (که چون برادر دینی‌ات را مشکلی پیش آید، جاه و مقام خویش را در حل آن به‌کار بندی). این هم باب کلام رسول خدا (ص) است که فرموده: «الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر» (دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است) (حسینی دشتی، ۱۳۷۶). یا هنگامی که مولوی می‌گوید دست التماس و تضرع به بارگاه ربوبی ببر و چنگ بر دامان احمد-صلی الله علیه و آله- بزن و رها کن بوجهل تن را که حقایق را می‌بیند و باز لجاجت می‌کند، یا زمانی که از *سلطان بصر* می‌گوید و در عنوان شعر می‌آید «... جواب مصطفی صلی الله علیه و سلم...» بی‌گمان می‌توان به پایه‌های مذهبی و فرهنگی و به تبع آن استعاره فرهنگ-بنیاد حکم داد.

## ۷. دسته‌بندی استعاره‌های فرهنگی بر اساس الگوی پیشنهادی نگارندگان

بحث درباره تعداد استعاره‌های فرهنگی در کار همیشه وجود خواهد داشت؛ زیرا همان‌طور که گفتیم این خاصیت زبان است که برای مثال به استعاره فرهنگ-بنیاد خود اجازه دهد که واژگانی شود. نگارندگان معتقدند این همان سرنوشت استعاره «ترکش عمر» است که شاید در ابتدا ترکش عمر آرش بوده و مرز ایران و توران که در پس لایه‌های تاریخ ادبیات ما می‌زیسته است و شاید در زمان حال کمتر کسی به پایه‌های فرهنگی آن نظری بیفکند. بنابراین، نگارندگان از دادن آمار در مورد تعداد استعاره‌ها به‌عمد پرهیز می‌کنند؛ ولی با داشتن تعداد مشخصی از استعاره‌های فرهنگی به توصیف شیوه یا شیوه‌های رویارویی نیکسون با استعاره‌های فرهنگی می‌پردازند. در ابتدا استعاره‌هایی را که در دسته استعاره‌های فرهنگی قرار داده‌ایم فهرست می‌کنیم. در این فهرست دلالت‌های بین فرهنگی و فرهنگ-بنیاد را به ترتیب با برچسب a و b جدا می‌کنیم. سپس از معیار هاروی (2000) برای توصیف شیوه‌های ترجمه مفاهیم فرهنگ-بنیاد استفاده می‌کنیم.

## جدول ۱ نتایج بررسی ترکیبات استعاری فرهنگی دفتر اول براساس الگوی شش‌گانه

a	sea of Bounty	دریای جود
a	Water of Life	آب حیوان
a	mirror of Bounty	آیینۀ جود
a	Hand of God	دست حق
a	shears of ascetic and works	مقراض ریاضات و عمل
a	Sun's revelation	وحي خورشيد
a	Gate of Mercy	باب رحمت
a	gate of acceptance	درگاه قبول
a	body's snare	دام تن
a	wind of Death	باد اجل
a	body's grave	گور تن
b	table of bounteous	خوان جود
b	city of Knowledge	مدینه علم
b	flood of ecstasy (fana)	غرقاب فنا
b	wine of God	شراب حق
b	corn of work	گندم اعمال
b	candle of union	شمع وصال
b	wine of God	خمر حق
b	wine of Thy wrath	شراب قهر
b	eye of certainty	چشم یقین
b	spiritual wine	بادۀ جان
b	Sea of Reality	بحر معنی
b	door of Reality	درّ معنی
b	fire of absence and separation	آتش هجر و فراق
b	polisher of the soul	صیقل جان
b	wrath of God	قهر حق
b	Original light	نور اصول
b	curtains of concealment	پرده‌های غیب
b	falcon of the empyrean	باز عرش
b	pearls of union	گهرهای وصال
b	BuJahl of the body	بوجهل تن
b	Simurgh of the spirit	سیمرغ روح

## ادامهٔ جدول ۱

b	One possessed of (spiritual) sight	سلطان بصر
b	sherbet of God	شربت حق
b	Lion of God (Ali)	شیر حق
b	sea of spiritual realities	بحر معنی ها
b	man of the flesh (nafs)	مردم نفس
b	alms (thank-offering) for thy high estate	زکات جاه
b	barrier of the Divine destiny	سدّ قضا
b	darkness of your (spiritual) states	ظلمت احوال
b	prison (sijn) of the world	سجن دنیا
b	commerce with Reason	ترکش عمر

## ۸. بررسی ترجمهٔ استعاره‌های فرهنگ - بنیاد بر اساس الگوی هاروی

هاروی (2000) در رویارویی با مفاهیم فرهنگی چهار شیوهٔ ترجمه را معرفی می‌کند:

۱. معادل نقشی؛

۲. معادل صوری (ترجمهٔ کلمه به کلمه)؛

۳. قرض‌گیری؛

۴. معادل توصیفی / توضیحی.

در جدول شمارهٔ دو استعاره‌های فرهنگ - بنیاد را بر اساس الگوی هاروی با اطلاق شماره‌های ۱-۴ طبقه‌بندی می‌کنیم. چنانچه از دو شیوه هم‌زمان استفاده شده باشد، نگارندگان هر دو شماره را در جدول آورده و در نمودار آماری از اصطلاح couplet - که بیشتر در این مقاله توضیح داده شد - استفاده کرده‌اند.

جدول ۲ نتایج بررسی استعاره‌های فرهنگ - بنیاد دفتر اول بر اساس الگوی هاروی (2000)

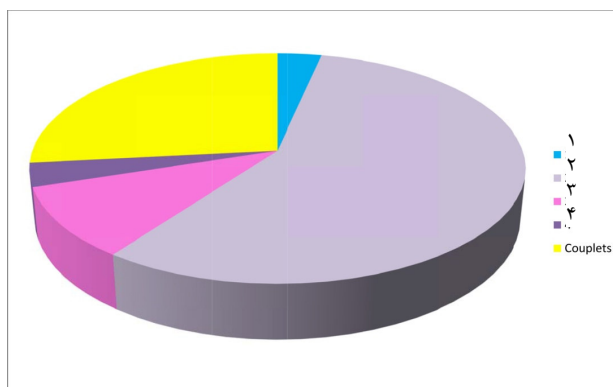
۱	table of bounteous	خوان جود
۲	flood of ecstasy (fana)	غرقاب فنا
۲	wine of God	شراب حق
۲	corn of work	گندم اعمال
۲	candle of union	شمع وصال
۲	wine of God	خمر حق
۲	wine of Thy wrath	شراب قهر

## ادامه جدول ۲

۲	eye of certainty	چشم یقین
۲	spiritual wine	باده جان
۲	Sea of Reality	بحر معنی
۲	door of Reality	در معنی
۲	fire of absence and separation	آتش هجر و فراق
۲	polisher of the soul	صیقل جان
۲	wrath of God	قهر حق
۲	Original light	نور اصول
۲	curtains of concealment	پرده‌های غیب
۲	falcon of the empyrean	باز عرش
۲	city of Knowledge	مدینه علم
۲	pearls of union	گهرهای وصال
۳	BuJahl of the body	بوجهل تن
۳	Simurgh of the spirit	سیمرغ روح
۴	One possessed of (spiritual) sight	سلطان بصر
۲(۳)	sherbet of God	شربت حق
۲+۳	Lion of God (Ali)	شیر حق
۲+۴	sea of spiritual realities	بحر معنی‌ها
۲+۳	man of the flesh (nafs)	مردم نفس
۲+۴	alms (thank-offering) for thy high estate	زکات جاه
۲+۴	barrier of the Divine destiny	سد قضا
۲+۴	darkness of your (spiritual) states	ظلمت احوال
۲+۳	prison (sijn) of this world	سجن دنیا

## ۹. نتایج آماری

نتایج آماری در شکل زیر مشاهده می‌شود:



شکل ۳ نتایج آماری نشان‌دهنده بررسی ترکیبات استعاری فرهنگ- بنیاد براساس الگوی هاروی

### ۱۰. تحلیل نتایج ترجمه استعاره‌های فرهنگ- بنیاد

چنان‌که از نتایج آماری برمی‌آید، نیکلسون در رویارویی با مفاهیم فرهنگ- بنیاد در هفده مورد از شیوه معادل‌یابی صوری، در یک مورد از ترجمه نقشی، در دو مورد از قرض‌گیری و در یک مورد از شیوه توصیفی/ توضیحی استفاده کرده است. او در هشت مورد نیز از دو شیوه هم‌زمان بهره برده است. تکنیک‌های شخصی او که در مقدمه بحث شد، در بخش استعاره‌های فرهنگ- بنیاد دوباره بررسی می‌شود.

جدول ۳ نتایج بررسی و مقایسه شیوه‌های نیکلسون در ترجمه استعاره‌های فرهنگ- بنیاد و غیرفرهنگی

√	Original light, sea of Reality	به‌کارگیری حروف بزرگ
√	flood of ecstasy (fana), man of the flesh (nafs) Lion of God (Ali)	به‌کارگیری هم‌زمان واژه زبان مبدأ و مقصد (یا واژه زبان مقصد و مصداق آن)
√	BuJahl of the body, Simurgh of the spirit	قرض‌گیری اسامی خاص
—	—	به‌کارگیری معنای ثانویه در ساخت استعاره
—	—	الف. به‌کارگیری معنای ثانویه به‌جای معنای اولیه ب. به‌کارگیری معنای ثانویه در کنار معنای اولیه
√	alms (thank offering) for thy high state	به‌کارگیری واژه‌های هم‌معنا در ترکیب استعاره

آنچه در تحلیل اولیه با عنوان معنای ثانویه مطرح شد، در واقع همان بحث دلالت استعاری است که در بحث‌های بعدی در این مقاله بیان شد؛ به این معنا که نیکلسون در حین ترجمه در مواردی با استفاده از دلالت استعاری، از مدلول استعاری گاه در کنار مدلول اولیه و گاه به جای آن استفاده کرده است. حال آنکه او در رویارویی با استعاره‌های فرهنگ- بنیاد حتی در یک مورد هم از نشانه استعاری و دلالت استعاری بهره نبرده است.

این خلأ درحالی است که درک مدلول استعاری در رویارویی با استعاره، چه از نوع فرهنگی آن و چه انواع دیگر، مهم‌ترین عامل در ترسیم تصویر استعاری است. چنانچه استعاره در فرهنگ، سنت و مذهب جامعه زبان مبدأ ریشه داشته باشد و یا به تعبیر این پژوهش، استعاره فرهنگ- بنیاد باشد و مدلول استعاری آن به‌گونه‌ای توسط مترجم به خواننده مقصد منتقل نشود، تشکیل تصویر استعاری برای خواننده مقصد بسیار بعید می‌نماید. البته، نگارندگان همچنان بر این باورند که هر خوانشی تصویر استعاری خود را ترسیم خواهد کرد؛ ولی این چنین تصویری و رای پیوستار دلالت نشانه استعاری نگارندگان خواهد بود.

### ۱۱. شیوه‌های ترجمه استعاره

در اینجا نگارندگان باز به الگوی شش‌گانه خود بازمی‌گردند و سعی می‌کنند تا برای هریک از شش مورد مطرح‌شده براساس ماهیت دلالتشان از بین شیوه‌های بحث‌شده در ترجمه، شیوه یا شیوه‌هایی را پیشنهاد کنند:

- **دلالت بین‌زبانی:** دلالتی که فقط قرارداد است و در هر دو زبان مبدأ و مقصد وجود دارد. پیشنهاد نگارندگان در این مورد «جایگزینی<sup>۲۰</sup>» است؛ زیرا چنین تصویر استعاری در زبان مبدأ موجود است و تنها جایگزینی آن می‌تواند خواننده مقصد را به مهمانی درک تصویر استعاری آشنای زبان خود دعوت کند.

- **دلالت زبان- بنیاد:** قرارداد صرف زبانی است که فقط در زبان مبدأ موجود است. پس در اینجا نیز جایگزینی پیشنهاد پژوهش ماست. اما این جایگزینی بین مدلول اولیه و مدلول استعاری صورت می‌گیرد؛ به این معنا که مترجم باید در ابتدا به یکی از مدلول‌های استعاری محتمل دست یابد، سپس آن را در زبان مقصد معادل‌یابی کند.

- **دلالت بین‌فرهنگی:** دلالتی است که طی قراردادهای فرهنگی بین گویشوران شکل گرفته و در هر دو زبان مبدأ و مقصد موجود است. در این مورد هم جایگزینی استعاره با قرارداد

مشابه در زبان مقصد پیشنهاد نگارندگان است.

- **دلالت فرهنگ - بنیاد:** دلالتی است قراردادی که برخاسته از فرهنگ جامعه گویشور است و فقط در زبان مبدأ موجود است. در این مورد بازهم مدلول استعاری باید به کمک ترجمه بیاید. به عبارت دیگر، این مدلول استعاری است که در ترجمه معادل‌یابی می‌شود. در این مورد استفاده از پاورقی و ارائه مدلول اولیه در استعاره بهترین شیوه برای آشنا کردن خواننده با فرهنگ و پایه‌های تشکیل استعاره است.

- **دلالت جهانی:** دلالتی شمایی است که دست‌کم بین دو زبان مبدأ و مقصد وجود داشته باشد. ترجمه کلمه به کلمه شاید ساده‌ترین راه در ترجمه این دلالت است؛ زیرا به دلیل ماهیت شمایی استعاره، شکل‌گیری استعاره و درک مدلول استعاری می‌تواند به سادگی به خواننده مقصد واگذار شود.

- **دلالت دانش - بنیاد:** دلالتی شمایی است که تصویر استعاری آن فقط در جامعه زبان مبدأ موجود است. بازهم مدلول استعاری باید مورد نظر باشد و توصیف آن در ترجمه و یا توضیحات در پاورقی می‌تواند کارگشا باشد.

بنابراین، آنچه نگارندگان برای ترجمه استعاره پیشنهاد می‌کنند، به این شرح است:

۱. مرحله اول شناخت ماهیت استعاره، یعنی ترسیم شکل ۱؛
۲. مرحله دوم با توجه به اطلاعات و دانش خود از دو زبان A و B، ترسیم شکل ۲؛
۳. مرحله سوم استفاده از شیوه‌های پیشنهادی جدول شماره ۴.

جدول ۴ شیوه‌های ترجمه استعاره براساس الگوی شش‌گانه

دلالت بین‌زبانی	یافتن قرارداد مشابه در زبان مقصد ← جایگزینی قرارداد در زبان مقصد
دلالت زبان - بنیاد	یافتن مدلول استعاری در زبان مبدأ ← معادل‌یابی مدلول استعاری در زبان مقصد
دلالت بین‌فرهنگی	یافتن قرارداد مشابه در زبان مقصد ← جایگزینی قرارداد در زبان مقصد
دلالت فرهنگ - بنیاد	یافتن مدلول استعاری در زبان مبدأ ← توصیف مدلول استعاری + توضیح در پاورقی
دلالت جهانی	معادل‌یابی کلمه به کلمه
دلالت دانش - بنیاد	یافتن مدلول استعاری در زبان مبدأ ← توصیف مدلول استعاری + توضیح در پاورقی

## ۱۲. نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال بررسی چگونگی ترجمه نیکسون از **مثنوی معنوی** مولانا، به نشانه



استعاری و به‌کارگیری آن در ترجمه بین دو زبان A و B دست یافتیم. به این ترتیب که برای ترکیبات استعاری، دلالت استعاری در نظر گرفتیم که به انواع دلالت‌های استعاری شمایی و قراردادی تقسیم می‌شود. استعاره قراردادی نیز به انواع قرارداد صرف زبانی و قرارداد فرهنگی طبقه‌بندی می‌شود. این تقسیم‌بندی در ترجمه ترکیبات استعاری براساس وجود و یا نبود روابط دلالتی یادشده در زبان مقصد، مسیر ترجمه را هدایت خواهد کرد. برون‌داد شکل شماره ۲ در جدول شماره ۴ چهار به نتیجه می‌رسد؛ به این ترتیب که برای هر یک از روابط دلالتی مطرح‌شده، شیوه‌هایی در ترجمه پیشنهاد می‌شود. این پیشنهادها برحسب ماهیت دلالت استعاری شکل گرفته است. به این ترتیب، مترجم در رویارویی با ترکیب استعاری- چنان‌که گفتیم- سه دستاورد این پژوهش را مبنای کار خود قرار می‌دهد:

۱. شناخت ماهیت استعاره، یعنی ترسیم شکل شماره ۱؛
۲. ترسیم شکل شماره ۲ با توجه به اطلاعات و دانش خود از دو زبان A و B؛
۳. استفاده از شیوه‌های پیشنهادی جدول شماره ۴.

### ۱۳. پی‌نوشت‌ها

1. P. Newmark
2. A. L. Graedler
3. M. Harvey
4. culture-specific concepts (CSCs)
5. transference
6. naturalization
7. componential analysis
8. calque
9. shift
10. modulation
11. recognized translation
12. couplets
13. formal
14. transparent
15. dead
16. stock
17. standard
18. recent
19. original
20. substitution



## ۱۴. منابع

- چندلر، دانیل (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا. تهران: سوره مهر.
- حسینی دشتی، سیدمصطفی (۱۳۷۶). *فرهنگ معارف و معاریف*. ج ۶ در: <http://www.tebyan.net/> last retrieve on 2011-3-12
- خیرخواه، نیکو (۱۳۹۰). *قید و آزادی در ترجمه ادبی با نگاهی به جنبه‌های فرهنگ‌بنیاد صنایع بلاغی*. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۸). *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*. تهران: علم.
- یاکوبسن، رومن (۱۳۸۰). «قطب‌های استعاره و مجاز» ترجمه کورش صفوی در *ساخت‌گرایی، پیاساخت‌گرایی و مطالعات ادبی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. ص ۱۱۶.
- Graedler, A. L. (2000). *Culture shock*: <http://www.hf.uio.no/.../top7culture.html/> last retrieved on 2007-8-11
- Harvey, M. (2000/ 3). *A Beginner's Course in Legal Translation: The Case of Culture Bound Terms*: [http://www.tradulex.org/Actes\\_2000/harvey.pdf/](http://www.tradulex.org/Actes_2000/harvey.pdf/) last retrieved on 2010-3-13
- Newmark, P. (1988 b). *A Textbook of Translation*. New York & London: Prentice Hall.